



استاد بزرگوارم، «دکتر سعید نجفی اسداللهی» که پیش از آن که از او درس صرف و نحو عربی و ظرایف آن را بیاموزم، درس زندگی آموخته‌ام!

سید محمدعلی جنانی

همسرم

که با صبرش از خواسته‌های چشم‌پوشی کرد تا این کتاب نوشته بشه.

تمام معلم‌های باسواد و توانمندی

که تواضعشون نمی‌ذاره دیده بشن و با یه دنیا گمنامی و دور از هیاهو دارن ذوب می‌شن و راه رو روشن می‌کنن.

گودرز سروی

کسانی که «همت» والا دارند و نان «همت» خویش می‌خورند. گویی یک‌تنه کار هزاران نفر را انجام می‌دهند و راه را برای دیگران هموار می‌کنند، بی‌هیچ بوق و کرنا، شور و شر، جنب‌وجوش. باعرضگی و پویایی در رفتارشان شکل گرفته و با زندگی خود، شیوه حرکت در اتوبان «همت» را به ما آموخته‌اند.

«از آنان بیاموزیم»

علی جعفری ندوشن

# مقدمه ناشر

## گپی راجع به مجموعه «ماجرای بیست»

تا حالا به این فکر کردین که یه دانش‌آموز توی ۲۴ ساعت شبانه‌روز چی کار می‌کنه؟

- هفت هشت ساعت می‌خوابه و استراحت می‌کنه.
  - حداقل هفت ساعت تو مدرسه‌ست که شیش ساعتش رو سر کلاسه و (احتمالن) داره درس گوش می‌ده.
  - حدود یک ساعت تو راه خونه به مدرسه و مدرسه به خونه‌ست.
  - سه چهار ساعتی هم توی خونه با کتابا و درساش مشغوله و گشتی می‌گیره.
  - چهار پنج ساعت از وقتش هم می‌ره برای غذاخوردن، حضور در آغوش گرم خانواده و کارای شخصی مهم و بازیگوشی (که شامل گوشی‌بازی هم می‌شه!).
- حُب! با این حساب و کتابا معلوم می‌شه یه دانش‌آموز، ۷۵/۶۲۵ درصد از زمان بیداریش رو با درس و مشق و کتاب و مدرسه و معلم می‌گذرونه با کلی اتفاقات تلخ و شیرین؛ پس بی‌راه نیست که بگیم:
- «ماجرای بیست» ماجرای اصلی زندگی یه دانش‌آموزه.

ما توی خیلی‌سبز، این مجموعه رو آماده کردیم، چون واقعن دلمون می‌خواد داستان مدرسه‌رفتن و درس‌خوندن شما و این عمری که به پاش گذاشتین، پایان خیلی خوش و شکوهمندی داشته باشه!

اگه ماجراهای جالب خودتون با درساتون رو به صورت مطلب، عکس، سلفی، خاطره، فیلم و فیلم‌نامه و ... برامون بفرستین، خیلی رو سرمون منت گذاشتین. ما حتمن ماجراهاتون رو یه جایی (مثلن تو سایت خیلی‌سبز یا شاید هم چاپ بعدی کتاب) منتشر می‌کنیم.

## ماجرای من و عربی

زمان ما در کل سال تحصیلی لای کتاب عربی رو باز نمی‌کردیم و شب امتحان عربی، قواعد رو می‌خوندیم و لغات رو حفظ می‌کردیم و می‌رفتیم یه نمرهٔ آبرومند می‌گرفتیم. تازه خوشحال بودیم که به‌به چه‌قدر کارمون درسته! ولی واقعیت اینه که هیچ‌وقت چیز زیادی از عربی نفهمیدیم. الان همه‌چیز تغییر کرده، شما اگه نمرهٔ خوبی می‌خواید، باید از اول سال خوب عربی یاد بگیرید. دیگه عربی درس شب امتحانی نیست. به قول معلم‌ان عربی، کتاب درسی، متن‌محور شده؛ یعنی همه‌چی مهمه، اما توی متن؛ قواعد توی متن! لغات توی متن! درک مطلب متن! ترجمهٔ متن! و ... می‌دونید یعنی چی؟ یعنی شما با این عربی، ماجراها دارید! ما هم کتاب ماجرای بیست عربی داریم. (خب این به اون در!!) این کتاب چندتا ویژگی مهم داره که مؤلفین در مقدمهٔ خودشون توضیح دادن. در پایان هم از آقایان سید محمدعلی جنانی، گودرز سروی و علی جعفری ندوشن که تجربه و قلم این سه بزرگوار، این کتاب رو پربار کرده، تشکر می‌کنیم.

و اما متشکریم از برویجه‌های کاردرست خیلی‌سبز که برای این کتاب خیلی زحمت کشیدن:

- دوستان سخت‌کوشمان در واحد تولید

- در واحد تألیف، خانم‌ها: زهرا جالینوسی، سیده مریم طاهری، انسبه میرجعفری و ...

أَرْجُو لَكُمْ النَّجَاحَ وَ التَّوْفِيقَ

# مقدمه مؤلفان


«هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي»

«این از لطف پروردگارم است.»

خدا رو شاکریم که بازم به ما فرصت داد که بتونیم تو مسیر معلّمی و یاددادن، یه قدم دیگه برداریم و حالا این کتاب نتیجه تلاش شبانه‌روزی ما و همکارامون تو خیلی‌سبزه که به همشون خسته نباشید می‌گیم. همه معلّما درس خودشونو درس شیرینی می‌دونن، حالا شما هم می‌دونین، ما هم می‌دونیم که عربی خیلی خیییلی شیرینه!!! تا حدی که ممکنه شیرینیش دل بعضیا رو بزنه. حُب ما این کتابو نوشتیم که دقیقاً همین مشکلو حل کنه. امیدوارم وقتی کتابو می‌خونین، بگین: «آهان! حالا گرفتم چی شد.» به هر حال، منتظر نظراتون می‌مونیم، حتماً بهمون بگین.

سید محمدعلی جنانی، گودرز سروی، علی جعفری ندوشن

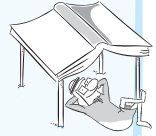
## محتوای کتاب در یک نگاه:

- توضیح دقیق قواعد هر درس به زبانی ساده به همراه مثال؛
- ترجمه کلمه به کلمه متن درس به همراه ترجمه روان؛
- بررسی کاربرد قواعد و نکات قابل توجه متن درس به صورت نوار عمودی در سمت چپ ترجمه متن درس؛
- ارائه واژه‌نامه و لغات متضاد، مترادف و جمع مکسر در هر درس؛
- ارائه واژه‌نامه جامع هر درس در انتهای کتاب؛
- ترجمه تمام جملات عربی کتاب درسی؛
- پاسخ تشریحی تمرین‌ها و خودآزمایی‌ها (اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ)؛
- ترجمه گفت‌وگو (جوار)؛
- سؤالات امتحانی تألیفی به همراه سؤالاتی منتخب از مدارس برتر کشور به همراه پاسخ‌نامه در هر درس؛
- سؤالی که علامت  دارن، سخت‌ترین سؤال‌های هر بخشن. اگه به کم‌تر از ۲۰ راضی نمی‌شی، بعد از تسلط روی سؤال‌های دیگه، برو سراغ اون‌ها؛
- نمونه‌سؤالات پایانی (ترم اول و دوم).

# فهرست

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

٧	قواعد: مرور قواعد عربي هفتم، هشتم و نهم
١٢	واژگان
١٣	ترجمه درس: ذَاكَ هُوَ اللَّهُ
١٥	تمارين درس اول
١٧	سؤالهای امتحانی
١٢٢	پاسخ سؤالهای امتحانی



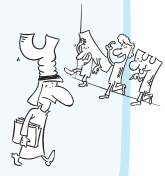
## الدَّرْسُ الْخَامِسُ

٦٤	قواعد: الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَ الْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ
٦٧	واژگان
٦٩	ترجمه درس: ﴿ هَذَا خَلَقَ اللَّهُ ﴾
٧٢	تمارين درس پنجم
٧٥	سؤالهای امتحانی
١٣٣	پاسخ سؤالهای امتحانی



## الدَّرْسُ الثَّانِي

٢١	قواعد: الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ
٢٣	واژگان
٢٤	ترجمه درس: الْمَوْاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ
٢٧	تمارين درس دوم
٢٨	سؤالهای امتحانی
١٢٤	پاسخ سؤالهای امتحانی



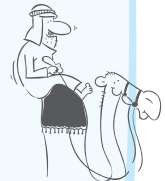
## الدَّرْسُ السَّادِسُ

٨٠	قواعد: الْفِعْلُ الْمَجْهُوْلُ
٨٢	واژگان
٨٣	ترجمه درس: ذُو الْقَرَيْنَيْنِ
٨٧	تمارين درس ششم
٨٩	سؤالهای امتحانی
١٣٤	پاسخ سؤالهای امتحانی



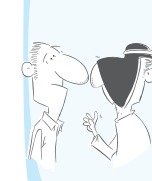
## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

٣٣	قواعد: أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١)
٣٧	واژگان
٣٨	ترجمه درس: مَطَرُ السَّمَكِ
٤١	تمارين درس سوم
٤٣	سؤالهای امتحانی
١٢٤	پاسخ سؤالهای امتحانی



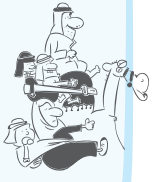
## الدَّرْسُ السَّابِعُ

٩٤	قواعد: الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ
٩٧	واژگان
٩٨	ترجمه درس: يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ
١٠٣	تمارين درس هفتم
١٠٥	سؤالهای امتحانی
١٣٩	پاسخ سؤالهای امتحانی



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ

٤٩	قواعد: أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (٢)
٥١	واژگان
٥٣	ترجمه درس: التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ
٥٦	تمارين درس چهارم
٥٩	سؤالهای امتحانی
١٢٩	پاسخ سؤالهای امتحانی



## الدَّرْسُ الثَّامِنُ

١٠٩	قواعد: إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ إِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ
١١٢	واژگان
١١٣	ترجمه درس: صِنَاعَةُ التَّلْمِيحِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ
١١٧	تمارين درس هشتم
١١٨	سؤالهای امتحانی
١٤١	پاسخ سؤالهای امتحانی



١٤٤

## مشاوره شب امتحان

شماره صفحه پاسخ	شماره صفحه امتحان
١٤٧	١٤٥
١٥١	١٤٩
١٥٤	١٥٢
١٥٧	١٥٥
١٦١	١٥٩
١٦٥	١٦٣

- امتحان شماره (١): نمونه امتحان نیمسال اول  
 امتحان شماره (٢): نمونه امتحان نیمسال اول  
 امتحان شماره (٣): نمونه امتحان نیمسال دوم  
 امتحان شماره (٤): نمونه امتحان نیمسال دوم  
 امتحان شماره (٥): نمونه امتحان نیمسال دوم  
 امتحان شماره (٦): امتحان نهایی خرداد ١٤٠٣



## آموزش قواعد و مفاهیم درس ۱



### علامت‌ها

علامت‌ها شامل فتحه «ت»، كسره «ي»، ضمه «ة»، سُكون «ت» و تنوين «ـِ، ـَ، ـٌ» است.

### اسم از نظر جنس

در عربی هر اسمی از نظر جنس، یا مذکر است و یا مؤنث که معمولاً علامت مؤنث، داشتن «ة» است و گاهی نیز معنای اسم، بیانگر مؤنث بودن آن است، بدون نیاز به علامت مؤنث؛ مانند: بنت (دختر)، زینب و ...

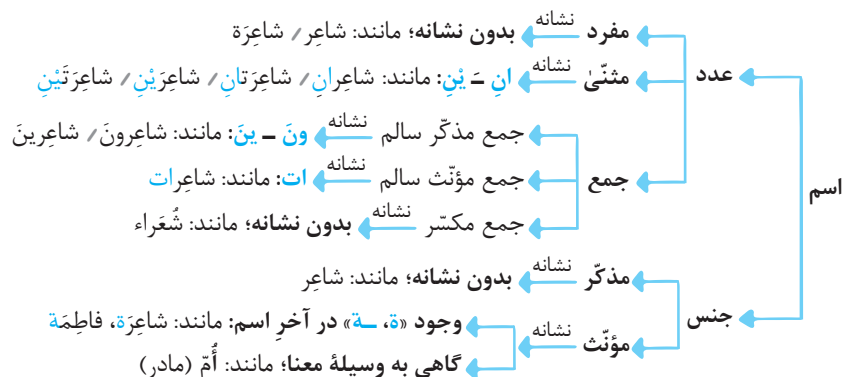
- ← ۱- مذکر: طَبیب (آقای دکتر)، شاعِر (مرد شاعر)، وَاِلِد (پدر)، كَلَام، عَمَل، كِتَاب، اَلْقُرْآن و ...
- ← ۲- مؤنث: طَبِيبَة (خانم دکتر)، شاعِرَة (زن شاعر)، وَاِلِدَة (مادر)، شَجَرَة، مَدْرَسَة، مَدِينَة، أُخْت و ...

### اسم از نظر عدد (تعداد)

در عربی هر اسمی یا مفرد (یکی) است یا مثنی (دوتا) و یا جمع (بیشتر از دوتا).

### در عربی دو نوع جمع داریم:

- ۱) جمع سالم که با اضافه کردن نشانه‌های جمع (وَنَ - يَنَ / ات) به انتهای «اسم مفرد» ساخته می‌شود؛ مانند: مُعَلِّم ← مُعَلِّمُونَ، مُعَلِّمِينَ / مُعَلِّمَةٌ ← مُعَلِّمَات
  - ۲) جمع مکسر که نشانه خاصی ندارد، بلکه فقط براساس شنیدن از عرب‌زبان و یا مراجعه به فرهنگ‌های لغت عربی یاد گرفته می‌شود و «بی‌قاعده» است.
- در جمع مکسر، ساختار «اسم مفرد» تغییر می‌کند؛ مانند: مَدْرَسَة ← مَدَارِس / عَارِف ← عُرَفَاء / طِفْل ← أَطْفَال



## اسم‌های اشاره

اسم‌های اشاره همان «این، آن، این‌ها، آن‌ها» در زبان فارسی است. در جدول زیر اسم‌های اشاره زبان عربی را آورده‌ایم.

جمع	مثنی	مفرد	
هَؤُلَاءِ ( این‌ها )	هَذَانِ - هَذَيْنِ ( این دو )	هَذَا ( این )	نزدیک
هَؤُلَاءِ ( این‌ها )	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ ( این دو )	هَذِهِ ( این )	
أُولَئِكَ ( آن‌ها )	_____	ذَلِكَ ( آن )	دور
أُولَئِكَ ( آن‌ها )	_____	تِلْكَ ( آن )	

**نکته ترجمه:** هرگاه کلمه پس از اسم اشاره، «ال» نداشته باشد، اسم اشاره طبق معمول ترجمه می‌شود؛ یعنی اگر مفرد است، به صورت مفرد، اگر مثنی است، به صورت مثنی، و اگر جمع است، به صورت جمع ترجمه می‌شود. خوب است بدانیم که اسم‌های مثنی را می‌توان به صورت جمع نیز ترجمه کرد.

**مثال:** هَؤُلَاءِ مُعَلِّمُونَ: این‌ها معلم هستند.

اما اگر کلمه پس از اسم اشاره «ال» داشته باشد، اسم اشاره همواره به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

**مثال:** هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ ...: این معلم‌ها ...

## حالات و بگو

صَغُ فِي الْفَرَاغِ اسْمُ الْإِشَارَةِ الْمُنَاسِبِ. (در جای خالی اسم اشاره مناسب قرار بده.)

۱- ..... الطَّالِبَاتِ تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. (هَذَا - هَؤُلَاءِ - هَاتَانِ): این دو دانش‌آموز به مدرسه می‌روند.

**پ هاتان** [الطَّالِبَاتِ] مثنای مؤنث است، بنابراین باید از اسم اشاره‌ای استفاده کنیم که مثنای مؤنث باشد، یعنی «هاتان».

۲- ..... رَجَالٌ يَعْمَلُونَ بِحَدِّ. (هَذَا - تِلْكَ - أُولَئِكَ): آن‌ها مردانی هستند که با جدیت کار می‌کنند.

**پ أُولَئِكَ** [رَجَالٌ] جمع مکسر «رَجُلٌ» است و به عبارت دیگر «جمع مذکر» است، پس باید از اسم اشاره‌ای استفاده کنیم که به جمع مذکر اشاره دارد، یعنی «أُولَئِكَ».

۳- تَطْبُخُ ..... النِّسَاءِ أَطْعِمَةً لَدَيْدَةً لِأَسْرَتِهِنَّ. (هَذِهِ - هَؤُلَاءِ - هَاتَانِ): این زنان برای خانواده خود غذاهای خوشمزه‌ای می‌پزند.

**پ هَؤُلَاءِ** [النِّسَاءِ] جمع «الْمَرْأَةُ: زن» است، بنابراین باید از اسم اشاره‌ای استفاده کنیم که به جمع (جمع مؤنث) اشاره کند. در میان اسم‌های اشاره مورد نظر، فقط «هَؤُلَاءِ» برای جمع (چه مذکر و چه مؤنث) استفاده می‌شود.

۴- ..... أَشْجَارٌ جَمِيلَةٌ تَنْمُو فِي حَدِيقَةِ جَدِّي. (هَؤُلَاءِ - هَذِهِ - هَذَا): این‌ها درختان زیبایی هستند که در باغ پدر بزرگم رشد می‌کنند.

**پ هَذِهِ** [أَشْجَارٌ] جمع مکسر «شَجَر: درخت» است، ولی باید به یاد داشته باشیم که برای «جمع‌های غیر انسان» معمولاً از اسم اشاره «مفرد مؤنث» (هَذِهِ یا تِلْكَ) استفاده می‌شود نه «هَؤُلَاءِ» یا «أُولَئِكَ»!

## کلمات پرسشی

برای سؤالی کردن جملات، در زبان عربی از کلمات پرسشی استفاده می‌کنیم. در جدول زیر، مهم‌ترین کلمات پرسشی زبان عربی را آورده‌ایم:

معنا	کلمه پرسشی	معنا	کلمه پرسشی
کجا	أَيْنَ	آیا	أَيَّ
از کجا، اهل کجا	مِنْ أَيْنَ	آیا	هَلْ
چند، چه قدر	كَمْ	چه کسی، چه کسانی	مَنْ
چه طور، چگونه	كَيْفَ	کیست	مَنْ هُوَ
چه	مَاذَا	کیست	مَنْ هِيَ
چرا، برای چه	لِمَاذَا	برای کیست، مال چه کسی است	لِمَنْ
چه وقت	مَتَى	چیست، چه، چه چیز	مَا
چرا، برای چه	لِمَ	چیست	مَا هُوَ
		چیست	مَا هِيَ

## اعداد اصلی

منظور از اعداد اصلی که برای شمارش به کار می‌رود همان یک، دو، سه و ... است. اعداد اصلی ۱ تا ۱۲ به این صورت است:

اعداد اصلی: یک تا دوازده		
یک: واحد	چهار: أَرْبَعَةٌ	هفت: سَبْعَةٌ
دو: اِثْنَانِ	پنج: خَمْسَةٌ	هشت: ثَمَانِيَةٌ
سه: ثَلَاثَةٌ	شش: سِتَّةٌ	نه: تِسْعَةٌ
		ده: عَشْرَةٌ
		یازده: أَحَدَ عَشَرَ
		دوازده: إِثْنَا عَشَرَ

منظور از اعداد ترتیبی همان یکم، دوم، سوم، و ... است که برای بیان مرتبه استفاده می‌شود. اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم به این ترتیب است:

اعداد ترتیبی: یکم تا دوازدهم	
یکم: الْأَوَّلُ / الْأُولَى	هفتم: السَّابِعُ / السَّابِعَة
دوم: الثَّانِي / الثَّانِيَة	هشتم: الثَّامِنُ / الثَّامِنَة
سوم: الثَّلَاثُ / الثَّلَاثَة	نهم: التَّاسِعُ / التَّاسِعَة
چهارم: الرَّابِعُ / الرَّابِعَة	دهم: العَاشِرُ / العَاشِرَة
پنجم: الخَامِسُ / الخَامِسَة	یازدهم: الحَادِي عَشَرَ / الحَادِيَة عَشْرَة
ششم: السَّادِسُ / السَّادِسَة	دوازدهم: الثَّانِي عَشَرَ / الثَّانِيَة عَشْرَة

فعل ماضی، مضارع، ضمیر، شخص‌ها (به ترتیب فارسی)

تذکره در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها را برای «شش شخص» به کار می‌بریم. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

شخص یا صیغه در فارسی	شخص یا صیغه در عربی	ضمیر مُنْفَصِل	فعل ماضی	مثال	فعل مضارع	مثال	ضمیر متصل
اول شخص مفرد (من)	متکلم وحده	أنا (من)	فَعَلْتُ (انجام دادم)	ذَهَبْتُ (رفتم)	أَفْعَلُ (انجام می‌دهم)	أَذْهَبُ (می‌روم)	ي: عَمَلِي: کارم
دوم شخص مفرد (تو)	مفرد مذکر مخاطب	أنت (تو)	فَعَلْتَ (انجام دادی)	ذَهَبْتَ (رفتی)	تَفْعَلُ (انجام می‌دهی)	تَذْهَبُ (می‌روی)	ك: عَمَلُكَ: کارت
دوم شخص مفرد (تو)	مفرد مؤنث مخاطب	أنتِ (تو)	فَعَلْتِ (انجام دادی)	ذَهَبْتِ (رفتی)	تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی)	تَذْهَبِينَ (می‌روی)	ك: عَمَلُكَ: کارت
سوم شخص مفرد (او)	مفرد مذکر غایب	هُوَ (او)	فَعَلَ (انجام داد)	ذَهَبَ (رفت)	يَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	يَذْهَبُ (می‌رود)	هـ/ة: عَمَلُهُ: کارش
سوم شخص مفرد (او)	مفرد مؤنث غایب	هِيَ (او)	فَعَلَتْ (انجام داد)	ذَهَبَتْ (رفت)	تَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	تَذْهَبُ (می‌رود)	هـا: عَمَلُهَا: کارش
اول شخص جمع (ما)	متکلم مع الغیر	نحن (ما)	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	ذَهَبْنَا (رفتیم)	نَفْعَلُ (انجام می‌دهیم)	نَذْهَبُ (می‌رویم)	نا: عَمَلُنَا: کارمان
دوم شخص جمع (شما)	جمع مذکر مخاطب	أنتم (شما)	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	ذَهَبْتُمْ (رفتید)	تَفْعَلُونَ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبُونَ (می‌روید)	کُم: عَمَلُكُمْ: کارتان
دوم شخص جمع (شما)	جمع مؤنث مخاطب	أننَّ (شما)	فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	ذَهَبْتُنَّ (رفتید)	تَفْعَلْنَ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبْنَ (می‌روید)	کُنَّ: عَمَلُكُنَّ: کارتان
سوم شخص جمع (ایشان)	مثنای مذکر مخاطب	أنثما (شما)	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	ذَهَبْتُمَا (رفتید)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبَانِ (می‌روید)	کُما: عَمَلُكُمَا: کارتان
سوم شخص جمع (ایشان)	مثنای مؤنث مخاطب	أنثما (شما)	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	ذَهَبْتُمَا (رفتید)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبَانِ (می‌روید)	کُما: عَمَلُكُمَا: کارتان
سوم شخص جمع (ایشان)	جمع مذکر غایب	هم (آن‌ها)	فَعَلُوا (انجام دادند)	ذَهَبُوا (رفتند)	يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبُونَ (می‌روند)	هـم: عَمَلُهُم: کارشان
سوم شخص جمع (ایشان)	جمع مؤنث غایب	هنَّ (آن‌ها)	فَعَلْنَ (انجام دادند)	ذَهَبْنَ (رفتند)	يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبْنَ (می‌روند)	هِنَّ: عَمَلُهُنَّ: کارشان
سوم شخص جمع (ایشان)	مثنای مذکر غایب	هما (آن‌ها)	فَعَلَا (انجام دادند)	ذَهَبَا (رفتند)	يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبَانِ (می‌روند)	هـما: عَمَلُهُمَا: کارشان
سوم شخص جمع (ایشان)	مثنای مؤنث غایب	هما (آن‌ها)	فَعَلْتَا (انجام دادند)	ذَهَبْتَا (رفتند)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	تَذْهَبَانِ (می‌روند)	هـما: عَمَلُهُمَا: کارشان



ماضی (مثبت)	ماضی منفی ما + ماضی	مضارع (مثبت)	مضارع منفی لا + مضارع	مستقبل (آینده) سَدَ + مضارع سَوْفَ + مضارع	نهی لا + مضارع مجزوم	امر حذف (ت) از مضارع مجزوم
رَجَعْتُ: برگشت	مَا رَجَعْتُ: برنگشت	يَرْجِعُ: برمی‌گردد	لَا يَرْجِعُ: برنمی‌گردد	سَيَرْجِعُ: بر خواهد گشت سَوْفَ يَرْجِعُ: بر خواهد گشت	لَا تَرْجِعُ: برنگرد	ارْجِعْ: برگرد

و حالا یک سؤال ذهنمان را به خودش مشغول کرده! ← «مضارع مجزوم» یعنی چی؟  
برای پیدا کردن جواب این سؤال به روش ساختن نهی و امر توجه کنید:

### روش ساختن فعل نهی (لا + مضارع مجزوم)

به ابتدای فعل مضارع حرف «لا» اضافه می‌کنیم که به آن، «لای نهی» می‌گوییم. این «لا» باعث تغییراتی در انتهای فعل می‌شود که به ترتیب زیر انجام می‌شود:

اگر در آخر فعل، صَمَه (ت) داشته باشیم آن را به سکون (ت) تبدیل می‌کنیم.	تَدَهَبُ ← تَدَهَبُ ← لا تَدَهَبُ (نرو)
اگر در آخر فعل، حرف «ن» داشته باشیم آن را حذف می‌کنیم. (به شرط این که قبل از «ن» یکی از ضمیرهای «و - ا - ی» داشته باشیم).	تَدَهَبُونَ ← تَدَهَبُونَ ← لا تَدَهَبُوا (نروید)
در دو صیغهٔ «دوم شخص» و «سوم شخص» جمع (جمع مؤنث) شرط فوق وجود ندارد، پس «ن» حذف نمی‌شود.	تَدَهَبْنَ ← تَدَهَبْنَ ← لا تَدَهَبْنَ (نروید)

تذکره: اگرچه می‌توانیم از تمام صیغه‌های مضارع، فعل نهی بسازیم، ولی اکثراً فعل نهی از صیغه‌های دوم شخص (مفرد و جمع) یعنی از صیغه‌های مخاطب ساخته می‌شود.

### روش ساختن فعل امر (حذف «ت» از مضارعی که آخرش مجزوم شده)

فعل امر (امر مستقیم) فقط از مضارع «دوم شخص» (مفرد و جمع) یعنی فقط صیغه‌های «مخاطب» ساخته می‌شود؛ البته با اجرای سه مرحلهٔ زیر:

۱) حرف «ت» را از ابتدای مضارع دوم شخص حذف می‌کنیم.  
۲) اگر اولین حرف بعد از «ت»، ساکن (ت) باشد، با حذف «ت» باید «ا» جایگزین آن کنیم که علامت آن به علامت حرف دوم ریشه در فعل مضارع بستگی دارد:

تَنْظُرُ امر ← أَنْظُرْ      تَلْعَبُ امر ← اَلْعَبْ      تَجْلِسُ امر ← اجْلِسْ

۳) انتهای فعل را این‌گونه تغییر می‌دهیم تا مجزوم شود:

تَدَهَبُ ← تَدَهَبُ ← لا تَدَهَبُ (حذف)  
تَدَهَبُونَ ← تَدَهَبُونَ ← لا تَدَهَبُوا (تغییر)  
تَدَهَبْنَ ← تَدَهَبْنَ ← لا تَدَهَبْنَ (تغییر)

دوم شخص  
(جمع مؤنث)

به اجرای این مراحل در مثال‌های زیر توجه کنید:

تَدَهَبُ (می‌روی) امر ← اِذْهَبْ (برو)  
تَدَهَبَانَ (می‌روید) امر ← اِذْهَبَا (بروید)  
تَدَهَبُونَ (می‌روید) امر ← اِذْهَبُوا<sup>۱</sup> (بروید)  
تَدَهَبِينَ (می‌روی) امر ← اِذْهَبِي (برو)  
تَدَهَبَانِ (می‌روید) امر ← اِذْهَبَا (بروید)  
تَدَهَبْنَ (می‌روید) امر ← اِذْهَبْنَ<sup>۲</sup> (بروید)

۱- بر این اساس، فعل مضارع منفی در صیغه‌های «جمع مؤنث غایب» و «جمع مؤنث مخاطب» با فعل نهی آن‌ها شبیه یکدیگر می‌شود و تنها از قرائن موجود در جمله می‌توان پی برد که فعل مضارع، «منفی» است یا «نهی»: لا تَدَهَبْنَ: نهی: نروید (شما)

۲- در هنگام ساختن نهی یا امر از دوم شخص جمع (مذکر) که آخرش «وَن» دارد با حذف «ن» نباید «و» تنها بماند. به همین دلیل به آن «ا» اضافه می‌کنیم که البته خوانده نمی‌شود: تَدَهَبُونَ ← لا تَدَهَبُوا امر ← اِذْهَبُوا



۱ در ساختن فعل «امر» و «نهی» همیشه انتهای فعل دچار تغییر (مجزوم) می‌شود. (غیر از صیغهٔ دوم شخص جمع مؤنث) به تغییرات انتهای فعل که در ساختن «امر» و «نهی» اجرا می‌شود - و خلاصهٔ آن در مرحلهٔ شمارهٔ ۳ در امر آمده است - اصطلاحاً «مجزوم» کردن گفته می‌شود، پس برای ساختن امر و نهی انتهای فعل را مجزوم می‌کنیم.

۲ تفاوت «لای نفی» و «لای نهی»: «لای نفی» (منفی) باعث تغییر انتهای فعل نمی‌شود، ولی «لای نهی» انتهای فعل را تغییر می‌دهد. (مجزوم می‌کند)  
مثال: لا تذهب: نمی‌روی (نفی) لا تذهب: نرو (نهی)

### حالاتوبگو:

- صَغُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً. (در جای خالی یک فعل مناسب قرار بده.)
- ۱- أَيُّهَا الطَّالِبُ، أ..... دَرَسَكَ؟ (قَرَأْتَ - قَرَأْتَ - قَرَأْتَ): ای دانش‌آموز! آیا درست را خواندی؟
- پ قَرَأْتَ [با توجه به «أَيُّهَا الطَّالِبُ» که اسلوبِ نِدَاسْت و برای صدادن «مخاطب» که در این جا «مفرد مذکر مخاطب» است، به کار می‌رود و نیز با توجه به ضمیر متصل «لَكَ» در «دَرَسَكَ» که این ضمیر نیز مربوط به «مفرد مذکر مخاطب» است، متوجه می‌شویم که باید از فعلی استفاده کنیم که مربوط به صیغهٔ «مفرد مذکر مخاطب» باشد، یعنی «قَرَأْتَ».]
- ۲- أَنْتُمْ..... وَ نَحْنُ لَا نَكْذِبُ أَيْضاً. (يَصْدُقَانِ - تَصْدُقُونَ - يَصْدُقُونَ): شما راست می‌گویید و ما نیز دروغ نمی‌گوییم.
- پ تَصْدُقُونَ [با توجه به ضمیر مُنْفَصِل «أَنْتُمْ» که مربوط به «جمع مذکر مخاطب» است، باید از فعل مضارعی استفاده کنیم که اولاً: «جمع مذکر» باشد، یعنی آخرش «وَن» داشته باشد. ثانیاً: مربوط به «مخاطب» باشد، یعنی حتماً با حرف مضارعه «ت» شروع شده باشد؛ و این یعنی «تَصْدُقُونَ».]
- ۳- يَا طَالِبَاتُ،..... لِلْإِمْتِحَانَاتِ جَيِّدًا. (أَدْرُسُوا - أَدْرُسُ - أَدْرُسُنَّ): ای دانش‌آموزان! برای امتحانات، خوب درس بخوانید.
- پ أَدْرُسُنَّ [با توجه به «طَالِبَاتُ» که «جمع مؤنث» است و نیز با توجه با فعل‌های داخل پرانتز که همگی فعل امر هستند، باید فعل امری را انتخاب کنیم که آخرش «نَّ» داشته باشد، زیرا در فعل‌های امر و یا نهی «جمع مؤنث مخاطب»، هیچ‌گاه «نَّ» از آخر این صیغه حذف نمی‌شود.]
- ۴- يَا بِنْتِي الْعَزِيزَةَ، رَجَاءٌ..... سَيِّئًا عَلَى جِدَارِ الصَّفِّ. (لَا تَكْتُبُ - لَا تَكْتُبِينَ): ای دختر عزیزم! لطفاً روی دیوار کلاس چیزی ننویس.

پ لَا تَكْتُبِي [با توجه به «يَا بِنْتِي الْعَزِيزَةَ» که مربوط به اسلوبِ نِدَاسْت و به عبارت دیگر، گوینده کسی را صدا می‌زند، و نیز با توجه به این که مخاطب «مفرد مؤنث» است و از او خواسته شده که کاری را انجام ندهد، متوجه می‌شویم که در جای خالی باید از یک فعل نهی استفاده کنیم که مربوط به صیغهٔ «مفرد مؤنث مخاطب» باشد؛ یعنی «لَا تَكْتُبِي». خوب است بدانیم که فعل‌های امر یا نهی در این صیغه، همواره آخرش «ي» دارد.]

۵- عَلِيٌّ وَ أَحْمَدُ..... إِلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ. (ذَهَبَا - يَذْهَبَانِ - سَيَذْهَبَانِ): علی و احمد در هفتهٔ آینده به ساحل دریا خواهند رفت.

پ سَيَذْهَبَانِ [با توجه به قید زمان آینده (الأسبوع القادم: هفتهٔ آینده) باید از فعلی استفاده کنیم که بر مستقبل (آینده) دلالت داشته باشد، هم‌چنین می‌دانیم که با آوردن دو حرف «س» یا «سوف» بر سر فعل مضارع، فعل مضارع تبدیل به «مستقبل» می‌شود، و این یعنی «سَيَذْهَبَانِ».]

### حروف اصلی (ریشه) - وزن

- اکثر کلمات در عربی، ریشه دارند. ریشه، همان حروف اصلی هر کلمه است که معمولاً سه حرف می‌باشد.
- کلمات هم‌خانواده، از یک ریشه ساخته شده‌اند. مانند: عالم، معلوم، علیم، علماء و تعلیم همگی از ریشهٔ «ع ل م»
- آهنگ و ریتم هر کلمه را «وزن» می‌گویند. اگر به جای ریشهٔ کلمه، «ف-ع-ل» را قرار دهیم، وزن آن کلمه به دست می‌آید؛ مانند:

کلمه	عالم	تعلیم	مَنْصُور	سَجَاد	أَكْبَر	عَسَلْتُمْ	مَسْجِد	ضَرْب
وزن	فَاعِل	تَفْعِيل	مَفْعُول	فَعَال	أَفْعَل	فَعَلْتُمْ	مَفْعِل	فَعَل

نکته ترجمه: معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام‌دهنده یا دارندهٔ حالت»، و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام‌شده» است.

مثال: صانع: سازنده / مَضْنُوع: ساخته‌شده / ضارب: زننده / مَضْرُوب: زده‌شده

### ترکیب وصفی - ترکیب اضافی

#### ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

در عربی هرگاه دو اسم، پشت سر هم قرار گیرند به گونه‌ای که یا هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند، در صورتی که علامت آخر هر دو یکسان باشد، معمولاً موصوف و صفت محسوب می‌شوند. به اسم اول، «موصوف» و به اسم دوم «صفت» گفته می‌شود. دقت کنید که اسم دوم (صفت) معمولاً یکی از ویژگی‌های اسم اول (موصوف) را بیان می‌کند.

مثال: الصَّنَاعَةُ الجَدِيدَةُ: صنعت جدید / مُخْتَبِرٌ صَغِيرٌ: آزمایشگاه کوچکی

موصوف صفت

صفت

## ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

هر گاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند، به گونه‌ای که اولی (مضاف)، «ال» و تنوین ( ءِ ـِ ـَ ) نداشته باشد، ولی دومی (مضاف‌الیه) معمولاً «ال» و یا گاهی تنوین داشته باشد، به این ترکیب، «ترکیب اضافی» گفته می‌شود.

<b>مثال:</b> صِنَاعَةُ الْوَرَقِ	مُخْتَبِرُ مَدْرَسَةِ
مضاف مضاف‌الیه	مضاف مضاف‌الیه
(صنعت کاغذ)	(آزمایشگاه مدرسه‌ای)

**نکته ترجمه:** با دیدن این فرمول «اسم + ضمیر متصل + صفت ال دار» که به آن ترکیب «اضافی - وصفی» می‌گوییم، در ترجمه، ضمیر را بعد از صفت قرار می‌دهیم.

<b>مثال:</b> أَخْتِي الْكَبِيرَةُ: خواهر بزرگ من	عَمَلُكَ الصَّالِحُ: کار نیک تو
خواهر من بزرگ	کار تو نیک

## ماضی استمراری

هرگاه فعل «کان» یا یکی از فعل‌های هم‌خانواده آن (کان - کانا - کانت - کانتا - کن - کنت - کنتما - کنتما - کنتن - کنتت - کنتا) قبل از یک «فعل مضارع» بیاید، آن دو به صورت فعل «ماضی استمراری» ترجمه می‌شوند، یعنی: **کان + فعل مضارع = ماضی استمراری** در فارسی

<b>مثال:</b> كَانِ طَلَابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ: دانشجویان دانشگاه درس می‌خوانند.	كانوا يصنعون بيتاً: خانه‌ای می‌ساختند.
فعل مضارع	فعل مضارع
ماضی استمراری	ماضی استمراری

توجه کنید که میان «کان» یا «هم‌خانواده‌اش» با «فعل مضارع» می‌تواند فاصله وجود داشته باشد یا نداشته باشد.

## بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت کامل، از اعداد ترتیبی (بر وزن «الفاعلة») استفاده می‌شود و برای بیان «نیم» از واژه «النصف» و برای «ربع» از واژه «الربع» و برای «یک ربع مانده به ...» از فرمول «عدد ترتیبی + إلا + رُبْعاً» استفاده می‌شود. مانند:

[ساعت] پنج تمام: الخامسة تماماً / پنج و ربع: الخامسة و الربع / پنج و نیم: الخامسة و النصف / یک ربع مانده به پنج: الخامسة إلا ربعاً

## رنگ‌ها و روزهای هفته

الألوان: رنگ‌ها ← أَخْضَر (سبز)، أَحْمَر (سرخ، قرمز)، أَرْزَق (آبی)، أَبْيَض (سفید)، أَصْفَر (زرد)، أَسْوَد (سیاه) و بَنْفَسَجِي (بنفش)  
 أيام الأسبوع: روزهای هفته ← أَلْسَبْت (شنبه)، أَلْأَحَد (یک‌شنبه)، أَلْإِثْنَيْن (دوشنبه)، أَلثَلَاثاء (سه‌شنبه)، أَلْأَرْبَعاء (چهارشنبه)، أَلْخَمِيس (پنج‌شنبه)، أَلْجُمُعَة (جمعه)

### واژگان

#### فعل

أَنْزَلَ: نازل کرد	زَانَ: زینت داد	نَمَتُ: رشد کرد «مؤنث نما»
أَوْجَدَ: پدید آورد	قُلَّ: بگو	يُخْرِجُ: درمی‌آورد

#### اسم

أَنْجُم: ستارگان «مفرد: نَجْم»	ذات ... : داراي ...	عَيْم: ابر
أَنْعَم: نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَة»	ذالك: آن (= ذلِكَ)	مُسْتَعْرَة: فروزان
بَالِغ: کامل	ذو ... : داراي ...	«مَنْ ذَا: این کیست؟»
جَدْوَة: پاره آتش	شَرَرَة: آخگر (پاره آتش)	مُنْهَمَرَة: ریزان
دُرَر: مرواریدها «مفرد: دُر»	ضیاء: روشنایی	نَضْرَة: تَر و تازه
ذَا: این (= هَذَا)	عُصون: شاخه‌ها «مفرد: عُصْن»	

### واژگان جوار و تمارین

#### فعل

أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم	صَغ: بگذار	تَرْجِم: ترجمه کن
----------------------------	------------	-------------------

#### اسم

تَعَارَف: آشنایی	مُسْتَعِيناً بِ: با استفاده از	قَاعَة: سالن
مَطَار: فرودگاه	فَرَاغ: جای خالی	

صَغ	قرار بده	إِجْعَلْ	قرار بده	نَضِرَة	تر و تازه	طازَج	تازه	الثَّمَرَة	میوه	الفَاكِهَة	میوه	الجَدْوَة	پاره آتش	السَّرَزَة	پاره آتش
ضیاء	روشنایی	نور	روشنایی	أَوْجَدَ	پدید آورد	خَلَقَ	آفرید، پدید آورد	البالِغ	کامل	الکامل	کامل	أَنْجَمَ	ستارگان	کواکب	ستارگان
الغَیْم	ابر	السَّحَاب	ابر	نَام	خوابید	رَقَدَ	خوابید	مُجَدِّ	تلاشگر	مُجْتَهِد	تلاشگر	لِمَ	چرا	لِمَاذَا	چرا
ذو ...	دارای ...	ذات ...	دارای ...	ذالِكَ	آن	ذالِكَ	آن	صَارَتْ	شد	أَصْبَحَتْ	شد	فائِز	موفق	ناجِح	موفق
أَنْعَم	نعمت‌ها	نِعَم	نعمت‌ها	عَیْن	چشمه	يَنْبوع	چشمه	أَنْظُرُ	بین	شَاهِدُ	بین				

بُخِرِجَ	درمی آورد	يُدْخِلُ	داخل می‌کند	الْأَسَائِيَّةُ	زنانه	الرَّجَالِيَّةُ	مردانه	الَّيْلُ	شب	النَّهَارُ	روز	مُقْتَدِرَة	توانا	ضَعِيف	ناتوان
أَنْزَلَ	نازل کرد	رَفَعَ	بالا برد	بَالِغ	کامل	نَاقِص	ناقص	نَاجِح	قبول	رَاسِب	مردود	مَسْرور	شاد	خَزِين	غمگین
رَخِيصَة	ارزان	غَالِيَة	گران	مَسْمُوح	مجاز	مَمْنُوع	ممنوع	بِشْرَاء	خریدن	بِئْتِج	فروختن	أَبْيَض	سفید	أَسْوَد	سیاه
بِدَايَة	آغاز	نِهَائِيَة	پایان	جَمِيل	زیبا	قَبِيح	زشت	يَمِين	راست	يَسَار	چپ	قَرِيب	نزدیک	بَعِيد	دور

عُصُون	مفرد (شاخه)	تَمَارِين	مفرد (تمرین)	مَلَابِس	مفرد (لباس)
أَنْعَم	مفرد (نعمت)	جُمَل	مفرد (جمله)	أَلْوَان	مفرد (رنگ)
أَنْجَم	مفرد (ستاره)	أَفْعَال	مفرد (فعل)	أَصْدِقَاء	مفرد (دوست)
دُرَر	مفرد (مروارید)	أَحْجَار	مفرد (سنگ)	أَبْحَاث	مفرد (تحقیق)
حُرُوف	مفرد (حرف)	جِبَال	مفرد (کوه)	عَقَارِب	مفرد (عقربه)

## ترجمه درس



«الآنعام: ۱»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»

ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.

ذالِكَ	هُوَ	اللَّهِ
آن	او (همان)	خداوند
آن (او) همان خداوند است.		

أَنْظُرُ	لِتِلْكَ	السَّجَرَة	ذات	النَّضِرَة	أَنْظُرُ
بنگر	به آن	درخت	دارای	تروتازه	بنگر
به آن درخت بنگر که دارای شاخه‌های تر و تازه است.					

نُظِرَ: فعل امر  
تِلْكَ: اسم اشاره به دور «مفرد مؤنث»  
النَّضِرَة: ترکیب وصفی

كَيْفَ: کلمه استفهامی (پرسشی)  
 نَمَتْ: فعل ماضی  
 صَارَتْ: فعل ماضی

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	و كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَه
چگونه	رشد کرد	از	دانه‌ای	و چگونه	شد	درخت

چگونه [در آغاز] از دانه‌ای رشد کرده و چگونه [اکنون] درخت شده است؟

إِخْتُ: فعل امر  
 قُلْ: فعل امر  
 يُخْرِجُ: فعل مضارع  
 مِّنْ: کلمه استفهامی (پرسشی)

فَابْحَثْ	و قُلْ	مَنْ	ذَا الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَه
پس جست‌وجو کن	و بگو	کیست	این که	درمی‌آورد	از آن	میوه

پس جست‌وجو کن و [به خود] بگو: این کیست که از آن [درخت] میوه بیرون می‌آورد؟

السَّمْسُ: اسم مؤنث [واژه «السَّمْسُ» با وجود این که علامت مؤنث «ة» ندارد، ولی در زبان عربی یک اسم مؤنث به شمار می‌رود.]  
 ذا: اسم اشاره / جَدْوَتْهَا: ترکیب اضافی

و أَنْظُرْ	إِلَى السَّمْسِ	الَّتِي	جَدْوَتْهَا	مُسْتَعْرَه
و بنگر	به خورشیدی	که	پاره آتش آن	فروزان

و بنگر به خورشیدی که شعله آتش آن فروزان است.

خَرَاةٌ مُنْتَشِرَةٌ: ترکیب وصفی

فِيهَا	ضِيَاءٌ	و بِهَا	خَرَاةٌ	مُنْتَشِرَه
در آن	روشنایی	و با آن	حرارتی	پخش

در آن [خورشید] روشنایی [و نور] است و به وسیله آن حرارت و گرمایی پراکنده است.

أَوْجَدَ: فعل ماضی

مَنْ	ذَا الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي الْجَوِّ	مِثْلَ	السَّرَرَه
کیست	این که	پدید آورد آن را	در هوا (آسمان)	مانند	پاره آتش

این کیست که آن [خورشید] را در هوا (آسمان) مانند پاره آتش پدید آورده است؟

أَنْعَمْتُ: ترکیب اضافی

ذَاكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمْتُ	مُنْهَمِرَه
آن	(او)همان	خداست	که	نعمت‌هایش	ریزان [است]

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

حِكْمَةٌ بِالْقِيَّةِ: ترکیب وصفی  
 قُدْرَةٌ مُقْتَدِرَةٌ: ترکیب وصفی

ذُو	حِكْمَةٍ	بِالْقِيَّةِ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَه
دارای	حکمتی	کامل	و	قدرتی	توانا [است]

او که [دارای دانایی کامل و قدرتی [پایدار و] توانا است.

أَنْظُرْ: فعل امر

أَنْظُرْ	إِلَى اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَه
نگاه کن	به شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه [را]

[آن گاه] به شب بنگر، پس چه کسی در آن [شب تاریک] ماه را پدید آورده است؟

زَانَ: فعل ماضی  
 الدَّرُّ الْمُنْتَشِرَةُ: ترکیب وصفی

وَ زَانَهُ	بِالنَّجْمِ	كَالدَّرِّ	الْمُنْتَشِرَه
و آراست آن [را]	با ستارگانی	مانند مرواریدهای	پراکنده

و شب را با ستارگانی همانند مرواریدهای پراکنده آراست.

أَنْزَلَ: فعل ماضی

وَ أَنْظُرْ	إِلَى الْعِيمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَه
و بنگر	به ابر	پس چه کسی	نازل کرد (فروفرستاد)	از آن	باران [را]

و به ابر بنگر، پس چه کسی از آن، باران فرو فرستاد؟

توجه: حرف «ه» در آخر مصراع دوم ابیات این درس علامت مؤنث (ة) است که به دلیل «ضرورت شعری» نقطه‌های آن حذف شده است، ولی در آخر واژه‌های «قَمَر» و «مَطَر» علامت مؤنث بودن نیست و تنها به خاطر هماهنگ شدن وزن شعر آمده است!



جواز (التعارُفُ في مطارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

زائرُ مَرَقِدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	گفت وگو	أَخَذَ الْمُوظِّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
زائرِ مَرَقِدِ أميرِ مؤمنانِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	(آشنایی با یکدیگر در فرودگاه نجف اشرف)	یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	و عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	
سلام بر شما.	و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.	
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النَّوْرِ وَ السُّرُورِ.	
صبح به خیر ای برادر.	صبح به خیر و خوشی.	
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	
حالت چه طوره؟	من خوبم، و شما چه طوری؟	
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	
خوبم، شکر خدا.	ببخشید، اهل کجا هستی؟	
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	
من از جمهوری اسلامی ایرانم.	اسم شریف شما چیه؟	
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	
نام من حسین و نام شریف شما چیه؟	اسم من عبدالرحمانه	
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ.	
آیا تا به حال به ایران سفر کرده‌ای؟	نه، متأسفانه. ولی دوست دارم که سفر کنم.	
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.	
اگر خدا بخواهد به ایران سفر می کنی!	ان شاء الله؛ به امید دیدار، به سلامت.	
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	
در پناه خدا (خدا نگهدار).	در امان و پناه خدا، ای دوست من.	



التمارين

التمرين الأول: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (تمرين اول این جملات را ترجمه کن و نوع فعلها را بنویس.)

أَكْتُبْ رِسَالَتَكَ	نامهات را بنویس.	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ	روی دیوار ننویس.
فعل امر		نهی	
أَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ	تکالیفتان را بنویسید.	هِنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ	آن‌ها به سرعت نمی نویسند.
فعل امر		مضارع (منفی)	
سَأَكْتُبُ دَرْسِي	درس را خواهم نوشت.	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا	ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت.
مستقبل		مستقبل	
مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ	تمرین‌هایتان را ننوشتید.	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ	با دقت می نوشتند.
ماضی (منفی)		ماضی استمراری	

التمرين الثاني: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ) (تمرين دوم عدد مناسب را در دایره بگذار. (یک کلمه، اضافی است.)

پ ۷

مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.

۱- الشَّرَرَةُ: زبانه آتش

[از سنگ‌های زیبای گران‌بهای دارای رنگ سفید است.]

پ ۲

جَدْوَتْهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

۲- الشَّمْسُ: خورشید

[پاره آتش آن، فروزان است. در آن، روشنی و نور است و به وسیله آن، گرمایی پراکنده می‌شود.]

۳- الْقَمَرُ: ماه

۳- كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.

[سیاره‌ای است که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.]

۴- الْأَنْعَمُ: نعمت‌ها

۵- بَخَّارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

[بخاری به هم فشرده در آسمان که از آن، باران می‌بارد.]

۵- الْأَلْعِيمُ: ابر

۶- مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.

[از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های مختلف است.]

۶- الْأَفْسَتَانُ: پیراهن زنانه

۱- قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعْرَةِ.

[تکه‌ای جدا شده از آتش فروزان است.]

۷- أَلْدَّرُزُّ: مرواریدها

کلمه اضافی: «الأنعم: نعمت‌ها»

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ صَعُّ هَذِهِ الْجُمْلُ وَ التَّرَاكِيْبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (تمرین سوم این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هُوَلَاءُ فَائِزَاتٌ - هَذَانِ الدَّلِيلَانِ - تِلْكَ الْبَطَّارِيَةُ - أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ - هُوَلَاءِ الْأَصْدِقَاءِ - هَاتَانِ رُجَاكِنِ

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تلك البطارية	هذان الدليلان	هاتان رُجَاكِنِ	أولئك الصالحون	هؤلاء فائزات	هؤلاء الأصدقاء
آن باتری	این دو راهنما	این دو، شیشه هستند	آن شایستگان	این‌ها، برنده هستند	این دوستان

تذكرو: هرگاه اسم اشاره قبل از اسم «ال» دار بیاید به صورت مفرد (این / آن) ترجمه می‌شود، حتی اگر «مثنی» یا «جمع» باشد.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ أَكْثَبُ وَزْنِ الْكَلِمَاتِ الثَّلَاثِيَّةِ وَ حُرُوفِهَا الْأَصْلِيَّةِ. (تمرین چهارم وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

۱- ناصر، منصور، أنصار: ناصِر بر وزنِ فاعِل، منصور بر وزنِ مفعول، أنصار بر وزنِ أفعال، همگی از ریشهٔ ن ص ر

۲- صبار، صبور، صابر: صَبَّار بر وزنِ فَعَّال، صَبُور بر وزنِ فَعُول، صَابِر بر وزنِ فاعِل، همگی از ریشهٔ ص ب ر

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ صَعُّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفُرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (تمرین پنجم مترادف‌ها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده.)

ضياء - نام - ناجح - مسرور - قریب - جمیل - نهاییه - یمین - غالیة - شراء - مسموح - مُجَدِّد

زخیصة	غالیة	رایب	ناجِح	یسار	یمین	خرین	مسرور
ارزان	گران	مردود	قبول، موفق	چپ	راست	غمگین	شاد
بَّيْع	شراء	بداية	نهاییه	بعید	قریب	مُجْتَهِد	مُجَدِّد
فروش	خرید	آغاز	پایان	دور	نزدیک	تلاشگر	تلاشگر
رَقْد	نام	قَبِيح	جمیل	نور	ضياء	ممنوع	مسموح
خوابید	خوابید	زشت	زیبا	نور	روشنی	ممنوع	مجاز

التَّمْرِينُ السَّادِسُ أَرْسُمُ عَقَارِبِ السَّاعَاتِ. (تمرین ششم عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.)

پاسخ:


 السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً  
یک ربع مانده به شش

 الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ  
هشت و نیم

 الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ  
پنج و ربع

### الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه یا جملاتی به زبان عربی دربارهٔ عظمت آفریده‌های خداوند بگرد، سپس آن را با استفاده از واژه‌نامه‌ای عربی به فارسی به زبان فارسی ترجمه کن.

«جبال کبیر کوه فی مدینة بَدْرَةَ بِمُحَافَظَةِ إِیلام» «کوه‌های «کبیر کوه» در شهر «بدره» در استان ایلام»

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا﴾

درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند: ای پروردگار ما! این [ها] را باطل و بیهوده نیافریده‌ای.

شاطی کوشکنار في محافظة هُرمُزجان «ساحل» کوشکنار» در استان هرمزگان


عین رامیان في محافظة عُليستان «چشمه» رامیان» در استان گلستان

وادي دلفازد في محافظة كِرمَان «دره» دلفازد» در استان کرمان

## سؤال‌های امتحانی

پاسخ در صفحه ۱۲۲

### سؤال‌های ترجمه محور

سؤال‌هایی که علامت  دارند، سخت‌ترین سؤال‌های هر بخشند. آله به کم‌تر از ۲۰، اهنی نهی شی، بعد از تسلط روی سؤال‌های دیگر، برو سراغ اون‌ها.

○ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ:

۱ - أَحَدَ الْمُؤَطَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. ۲ ۳  
۴ - وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدُّوْهَا مُسْتَجِرَةٌ ۵ ۴

۶ - أَنْعَمَهُ مِنْهَيْمَةً ۷ ۶  
۸ ... ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ ۹ ۸

۱۰ - ذُو حِكْمَةٍ بِالْعِجَةِ وَ قَدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور) ۱۱ - وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۲ - كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّيْهِ؟ (برگرفته از امتحانات مدارس کشور) ۱۳ - أَنْظُرْ إِلَى الشَّجَرَةِ الَّتِي أَوْرَاقُهَا نَضْرَةٌ. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۴ - الْأَرْضُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الشَّمْسِ. ۱۵ - تَرَجَمْتُ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ مُسْتَعِينًا بِالْمَعْجَمِ.

۱۶ - مَنِ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْ. ۱۷ - إِي سَوْفَ أَكْتُبُ أَبْحَاثًا.

۱۸ - لَا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ. ۱۹

○ عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

أَصْبَحَ - رَفَدَ - رَخِيصَةً - صَارَ - نَزَلَ - غَالِيَةً

۲۰ - ..... ۲۱ - ..... ۲۲ - ..... ۲۳ - ..... ۲۴ - ..... ۲۵ - .....

رَاسِبٌ - جَدْوَةٌ - ذُو - ذَا (هَذَا) - نَاجِحٌ - شَرَزَةٌ

۲۶ - ..... ۲۷ - ..... ۲۸ - ..... ۲۹ - ..... ۳۰ - ..... ۳۱ - ..... ۳۲ - .....

أَنْعَمَ - أَوْجَدَ - رَفَعَ - خَلَقَ - أَنْزَلَ - نَعِمَ

۳۳ - ..... ۳۴ - ..... ۳۵ - ..... ۳۶ - .....

○ أَكْتُبِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

السَّحَابُ - حَصَدَ - الْجَدْوَةُ - أَمْسَى - بَدَايَةَ - الظُّلُمَاتِ - نِهَابَةَ - زَرَعَ - الطَّارِجَةَ - النُّورَ - الغَيْمَ - عَدَاً - الشَّرَزَةَ - النَّصْرَةَ

۳۳ - ..... ۳۴ - ..... ۳۵ - ..... ۳۶ - ..... ۳۷ - ..... ۳۸ - ..... ۳۹ - ..... ۴۰ - .....

○ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:

- ۳۳ - الشَّجَرَةُ  ۳۴ - الْبَحْرُ  ۳۵ - جَدْوَةٌ  ۳۶ - مَحَافِظَةٌ
- ۳۳ - النُّصْنُ  ۳۴ - الْمُحِيطُ  ۳۵ - شَرَزَةٌ  ۳۶ - شَهْرٌ
- ۳۳ - الشَّرَزَةُ  ۳۴ - الْمَاءُ  ۳۵ - مُسْتَجِرَةٌ  ۳۶ - مَدِينَةٌ
- ۳۳ - الشَّمْرَةُ  ۳۴ - السَّمَاءُ  ۳۵ - نَصْرَةٌ  ۳۶ - بَلَدٌ



○ اَكْتَبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمَعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۳۷- غُصُون ← ..... ۳۸- نَجْم ← ..... ۳۹- دُر ← ..... ۴۰- لَوْن ← .....  
 ۴۱- مَلَابِس ← ..... ۴۲- صَدِيق ← ..... ۴۳- أَبْحَاث ← ..... ۴۴- جَبَل ← .....

○ تَرَجِمِ الْآيَاتِ وَالْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۴۵- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ...﴾

۴۶- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

۴۷- وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَةً

۴۸- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَ الشَّمْسَ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَةً.

۴۹- مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ يَا أَخِي الْعَزِيزُ؟

۵۰- انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

۵۱- كَيْفَ نَمَتِ الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتِ الْحَبَّةُ شَجَرَةً.

۵۲- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مِرَهُ

۵۳- كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً؟

۵۴- فَأَبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا السَّمَرَةَ؟

۵۵- وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ

۵۶- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟

۵۷- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مِرَهُ

۵۸- لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لِكَيْتِي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.

○ عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

۵۹- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مِرَهُ

الف) او تنها خداست که نعمت خود را فرومی‌ریزد.  ب) آن همان خداست که نعمت‌هایش ریزان است.

۶۰- نَهَضَ الطَّالِبُ مِنَ النَّوْمِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.

الف) دانش‌آموز در ساعت هفت و ربع از خواب برخاست.  ب) دانش‌آموز در ساعت یک ربع به هفت از خواب برخاست.

۶۱- ابْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنِ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.

الف) در اینترنت یا کتابخانه درباره بزرگی آفریدگان خداوند به دنبال متنی کوتاه بگرد.

ب) در اینترنت یا کتابخانه خود پیرامون مخلوقات بزرگ خداوند به دنبال متن کوتاهی بگرد.

۶۲- وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ ذَا الَّذِي أَنْزَلَ مِنْهُ الْمَطَرَ؟

الف) به ابر بنگر، پس این کیست که از آن، باران‌ها را نازل کرد؟  ب) به ابر نگاه کن، پس این چه کسی است که از آن، باران نازل کرد؟

۶۳- أَ تُحِبُّ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى بِلَادِكَ الْجَمِيلَةِ؟

الف) آیا دوست داری که به کشور زیبایت سفر کنی؟  ب) آیا دوست داری که به کشور زیبایت سفر کنم؟

۶۴- وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.

الف) و آن را همانند مرواریدهایی پراکنده با ستاره‌های زینت بخشید.  ب) و آن را با ستاره‌هایی همچون مرواریدهای پراکنده آراست.

○ كَمِّلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ:

۶۵- انْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ: به شب ..... پس ..... ماه را در آن ایجاد کرد.

۶۶- ﴿وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾: در ..... می‌اندیشند. ای پروردگار ما، این را بیهوده .....

۶۷- مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَخْضَدُ فِي الْآخِرَةِ: هر چه در دنیا .....

۶۸- عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ: شما باید صبر کنید، زیرا .....

۶۹- أَوْلَيْكَ الْفَائِزَاتُ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ: ..... برندگان به سرعت .....

۷۰- كَانَتِ الطَّالِبَاتُ يَقْرَأْنَ دُرُوسَهُنَّ كُلَّ يَوْمٍ: دانش‌آموزان ..... را هر روز .....

۷۱- كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً: چگونه از دانه‌ای ..... و چگونه [یک] درخت .....

○ عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ:

۷۲- أَوْجَدَ  الف) ایجاد کرد  ب) ایجاد شد

۷۳- ابْحَثْ  الف) بحث کن  ب) جست‌وجو کن

۷۴- يُخْرِجُ  الف) خارج می‌شود  ب) خارج می‌کند

- ٧٥- صار  (الف) گشت (شد)  (ب) گردانيد  
 ٧٦- يَنْفَعُ  (الف) سود مي رساند  (ب) سود مي برد  
 ٧٧- يَنْتَفِعُ  (الف) سود مي رساند  (ب) سود مي برد

○ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:

- ٧٨- اُكْتُبِي وَاِجَابَاتِي. ٧٩- لَا تَرْتَسِمِ عَلَى الْجِدَارِ شَيْئًا. ٨٠- هُمْ سَيَكْتُبُونَ دُرُوسَهُمْ.  
 ٨١- مَا كَتَبْتُنَّ تَمَارِيْنَكُنَّ. ٨٢- كُنَّا نَكْتُبُ بِدِقَّةٍ. ٨٣- أَنْتُمْ لَا تَكْتُبُونَ بِسُرْعَةٍ.

## سؤال های قاعده محور

○ اُكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى:

- الأعدادُ الأصليَّةُ هي: ..... ٨٤. / إثنان / ..... ٨٥. / أربعة / خمسة  
 - الأعدادُ الأصليَّةُ: ..... ٨٦. / سبعة / ثمانية / تسعة / ..... ٨٧. / أحد عشر / ..... ٨٨.  
 - الأعدادُ الترتيبيةُ هي: الخامس / ..... ٨٩. / السابع / ..... ٩٠. / التاسع / ..... ٩١.  
 - أيامُ الأسبوعِ سبعةٌ و هي: يومٌ ..... ٩٢. / والأحد و ..... ٩٣. / والثلاثاء و ..... ٩٤.  
 - نَأْكُلُ ..... ٩٥. / في الصباحِ و ..... ٩٦. / في الظهرِ و العشاءِ في الليلِ.  
 - لَوْنُ السَّمَاءِ ..... ٩٧. / وَلَوْنُ المَوْزِ ..... ٩٨. / وَلَوْنُ الغُرَابِ ..... ٩٩.

○ اُكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

- ١٠٠- كانوا يظلمون: ..... ١٠١- لا تدخل: ..... ١٠٢- لا تدخل: .....  
 ١٠٣- سوف يرجع: ..... ١٠٤- اجعلوا: ..... ١٠٥- ما طلبنا: .....

○ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ وَ نَوْعَهَا (الماضي وَ المضارع وَ الأمر وَ النهي) في العبارات التالية:

- ١٠٦- ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا...﴾ ١٠٧- ١٠٨- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.  
 ١٠٩- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. ١٠٨- العاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ.

○ صُغِ فِي الْفَرَاغِ صَمِيرًا مُنَاسِبًا:

- ١١٠- ما مِهْنَتُكَ يَا أَخِي؟ - ..... حَدَادٌ.  نَحْنُ  
 ١١١- هَلْ هُوَ لِإِخْوَانِ الطَّالِبَاتِ حَاضِرَاتٌ؟ - نَعَمْ ..... جَالِسَاتٌ فِي الصَّفِّ.  هُمْ  
 ١١٢- مَنْ أَنْتُمْ؟ - ..... سَائِحُونَ مِنْ لُبْنان.  هُمْ  
 ١١٣- أَيْنَ مَدْرَسَتُكُمْ؟ مَدْرَسَتُ ..... قَرِيبَةٌ مِنَ الْمَسْجِدِ. (كُنَّ - ي - نا)  هُوَ  
 ١١٤- هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرانِ حَتَّى الْآنَ؟ لا، ما سَافَرُ ..... (ت - ث - ت)  أَنْتُمْ  
 ١١٥- ..... دَهَبْنَا إِلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ فِي الْأُسْبُوعِ الْمَاضِي. (أنا - أَنْتُمْ - نَحْنُ)  هُنَّ  
 أَنْتُمْ  أَنْتُنَّ  أَنْتُمْ  
 أَنْتُمْ  أَنْتُنَّ  أَنْتُمْ  
 أَنْتُمْ  أَنْتُنَّ  أَنْتُمْ

○ عَيِّنِ صَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ:

- ١١٦- ( ) أَنْتِ ..... سَتَسْمَعِينَ.  أَنْتُنَّ .....  
 ١١٧- ( ) هُمْ ..... كَانَا يَلْعَبَانِ.  أَنْتُمَا .....  
 ١١٨- ( ) أَنَا ..... سَنَصْعَدُ.  نَحْنُ .....

○ اُكْتُبِ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ:

- ١١٩- مَرْزَعَةٌ ..... زَارِعٌ ..... زَرَعٌ ..... زِرَاعَةٌ .....  
 ١٢٠- قَادِرٌ ..... مُقْتَدِرٌ ..... تَقْدِيرٌ ..... إِقْتِدَارٌ .....  
 ١٢١- خَطَّابٌ ..... خِطَابٌ ..... خَطِيبٌ ..... مُخَاطَبٌ .....  
 ١٢٢- حَرِيقٌ ..... إِحْتِرَاقٌ ..... مُخْتَرِقَةٌ ..... مُخْرِقٌ .....  
 ١٢٣- أَعْمَالٌ ..... عَامِلٌ ..... مَعْمُولٌ ..... إِسْتِعْمَالٌ .....  
 ١٢٤- خَبِيرٌ ..... مُخْبِرٌ ..... أَخْبَارٌ ..... إِخْبَارٌ .....  
 ١٢٥- خَدُومٌ ..... خَادِمٌ ..... مَخْدُومٌ ..... إِسْتِخْدَامٌ .....  
 ١٢٦- ضِلَاحٌ ..... مُصْلِحٌ ..... مَضْلَحَةٌ ..... إِضْلَاحٌ .....

○ صغ هذه التراكيب في مكانها المناسب، ثم ترجمها:

هؤلاء العالمون - تلك الدرر - هذان النجمان - هذه الحكمة - هاتان البطارتان - هذا الغيم - هذه الجوارث

١٣٣	١٣٢	١٣١	١٣٠	١٢٩	١٢٨	١٢٧
جمع مكسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم	مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث	مفرد مذكر

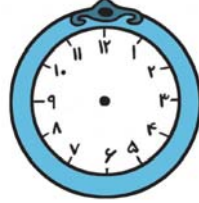
○ أرتب عقارب الساعات:



١٣٦- الزاوية والرُبْع



١٣٥- التاسعة والنصف



١٣٤- الزاوية إلا ربعاً

### ٣ سؤال های فهم و درک مطلب

○ صغ الكلمة المناسبة في مكانها المناسب من الكلمات التالية: (كلمتان زائدتان)

الفساتين - الأشجار - الغيم - الشَّرْزَةُ - الدُّرُّ - الذهب

١٣٧- ..... قطعةٌ منفصلةٌ عن النارِ المستعرة.

١٣٨- ..... من الملابس التي ترتديها النساء.

١٣٩- ..... حجرٌ جميلٌ ذو لونٍ أبيض.

١٤٠- ..... نغطينا ثَمرةً لذبةً جداً.

الغيم - القمر - الأنجم - الشمس - النهار - الغداء

١٤١- ..... تدور الأرض حولها وضيؤها من نفسها.

١٤٢- ..... يتجمّع البخار فيه و ينزل المطر منه.

١٤٣- ..... مصابيح السماء و زينتها في الليل.

١٤٤- ..... طعامٌ نأكل بين الفطور و العشاء.

○ عيّن السؤال المناسب لهذه العبارة:

١٤٥- «أنا بخير».

(ج) ما اسمك؟

(ب) كيف حالك؟

(الف) من أين أنت؟

○ أكتب الجواب المناسب للأسئلة التالية:

١٤٦- ما اسم صديقك؟

١٤٧- من أين أنت؟

١٤٨- هل أنت إيراني؟

١٤٩- ما هو لون السماء؟

١٥٠- أين بيتك؟

○ رتب الكلمات التالية، ثم اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً:

الكريم - إسمي - ما - اسمك - حسين

١٥١- سؤال: ..... ؟

١٥٢- پاسخ: .....

هل - إلى - طهران - الآن - سافرت - نعم - حتى

١٥٣- سؤال: ..... ؟

١٥٤- پاسخ: .....

هل - من - حضرتك - لبنان - أنا - إيران - من - لا

١٥٥- سؤال: ..... ؟

١٥٦- پاسخ: .....

○ عيّن الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع:

١٥٧- القمر كوكب يدور حول الأرض و ضياؤه ليس من الشمس.

١٥٨- الدر من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأصفر.

١٥٩- نحن هذا العام ندرس في الصف العاشر.

١٦٠- الله هو الذي يخرج الثمرة من الشجرة.

## مشاوره شب امتحان

امتحان عربی پایانی در قالب ۲۰ نمره سؤال کتبی است که شامل موارد زیر می‌باشد:

### الف) ترجمه

- ۱- ترجمه کلمه  
معمولاً دو کلمه‌ای که زیر آن‌ها خط کشیده شده و داخل جمله قرار گرفته برای ترجمه ارائه می‌شود.
- ۲- مترادف و متضاد  
در این سؤال چند کلمه ارائه شده که دانش‌آموز مترادف و متضاد را از بین آن‌ها تشخیص دهد؛ البته ممکن است مشابه تمرین‌های مربوطه، کلمات زائدی هم همراه آن‌ها باشد.
- ۳- نوشتن مفرد یا جمع برای اسم‌ها
- ۴- ترجمه  
ترجمه عبارت‌ها معمولاً از جملات متن درس و گاهی از تمرین‌هایی که ترجمه آن‌ها خواسته شده انتخاب می‌شود.
- ۵- انتخاب ترجمه صحیح از میان گزینه‌ها
- ۶- کامل کردن جای خالی در ترجمه (معمولاً از «أَنوَأُ الْقُرْآنِ»)

### ب) قواعد

- ۱- ترجمه فعل‌ها  
ترجمه فعل‌ها با تکیه بر قواعد (فعل‌های گروه دوم (مزید)، امر، نهی، مستقبل، ماضی استمراری و ...)
- ۲- انتخاب جواب صحیح از گزینه‌ها  
مشابه تمرین‌هایی که در اکثر درس‌ها داشتیم مثل تمرین دوم (الثانی) در درس سوم
- ۳- تشخیص نوع فعل (ماضی / مضارع / امر و ...) در جمله
- ۴- کاربرد عدد (اصلی و ترتیبی)
- ۵- تشخیص نقش (المحل الإعرابی) برای کلمات داخل جمله
- ۶- تشخیص فعل مجهول و نوشتن ترجمه آن
- ۷- تشخیص اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و نوشتن ترجمه آن‌ها
- ۸- مرتبط کردن کلمه با توضیحات جمله (مشابه تمرین دوم (الثانی) در درس چهارم)
- ۹- تشخیص جمله صحیح و غلط براساس حقیقت و واقعیت (مشابه موارد کتاب درسی)
- ۱۰- سؤال مربوط به «حوار» شامل: پاسخ کوتاه به سؤالات مکالمه (حوار)
- ۱۱- مرتب کردن کلمات نامرتب برای به دست آوردن یک سؤال و یک جواب برای مکالمه و یا مشخص کردن سؤال یا پاسخ مناسب برای یک عبارت
- ۱۲- گاهی سؤال درک مطلب که شامل یک متن کوتاه و چند سؤال مربوط به آن متن می‌باشد.

ردیف	نمونه امتحان نیم سال اول	رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی	عربی، زبان قرآن (۱)
نمره	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۷۵ دقیقه	kheilisabz.com
۱/۲۵	۱ ترجم الكلمات التي تحتمها خطأ. الف) رسالة الإسلام قائمة على اجتناب الإساءة: ..... ج) لا تفرقوا، أيها الطلاب! ..... ه) خذوا العلم من ينبوع الحكمة: .....	ب) من ذلك الجزء يتراحم الخلق: ..... د) خلق الله الخلق من ذكرٍ و أنثى: .....	
۰/۵	۲ عین الكلمات المترادفة و المتضادة: (كلمتان زائدتان). رخیصه - زقد - قام - نهاییه - غالبه - نام الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....		
۰/۲۵	۳ عین الكلمة الغریبه فی المعنی. <input type="checkbox"/> الأمطار <input type="checkbox"/> البحار <input type="checkbox"/> الثلوج <input type="checkbox"/> الألوان		
۰/۵	۴ أكتب مفرداً أو جمع الكلمتين. الف) رجال: ..... ب) فليم: .....		
۵	۵ ترجم العبارات التالية إلى الفارسیة. الف) و زانه بانجم / كالدزر المنتشرة (۰/۷۵) ب) حدث إعصار شديد فسحب الأسماك إلى السماء. (۰/۷۵) ج) يحاول العلماء معرفة سر تلك الظاهرة فسیرسلون فريقاً للتعرف على الأسماك. (۱) د) على كل الناس أن يتعاشوا مع بعضهم تعاشياً سلمياً مع احتفاظ كل منهم بعقائده. (۱) ه) الناس نيام فإذا ماتوا انتبهوا. (۰/۵) و) نعلم أن الصين أول دولة في العالم استخدمت نقوداً ورقية. (۱)		
۰/۵	۶ إنتخب الترجمة الصحيحة. ۱- أحسن كما أحسن الله إليك: <input type="checkbox"/> (۱) نیکی کرد همان گونه که خداوند به تو نیکی کرد. <input type="checkbox"/> (۲) نیکی کن همان گونه که خداوند به تو نیکی کرد. ۲- هذه الغيمة سوداء و عظيمة. <input type="checkbox"/> (۱) این، ابر سیاه و بزرگ است. <input type="checkbox"/> (۲) این ابر، سیاه و بزرگ است.		
۱	۷ أكمل الفراغات في الترجمة الفارسیة. الف) «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا» پروردگارا ..... صبر عطا کن و ..... استوار کن. ب) سَيَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَسَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ: گردباد شدیدی ..... و ماهی ها را با قدرت به سوی آسمان .....		
۱/۵	۸ ترجم الأفعال التي تحتمها خطأ. الف) يَأْخُذُ الْفَائِزُ الثَّانِي جَائِزَةً فِصِيَّةً. ج) إِسْتَعْفِرُ لِذُنُوبِكَ كَثِيرًا. ه) لَا أَصَدِّقُ كَلَامَ الْكَاذِبِينَ.	ب) إِنَّ الْعَمَالَ مَا أَنْزَلُوا الْبُضَائِعَ. د) سَيَحْفِرُ ذَلِكَ الْعَامِلُ بئراً عميقةً. و) لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ.	
۱	۹ صغ في الفراغ فعلاً مناسباً. الف) كُنْتُ ..... والذتي للرجوع إلى البيت. ب) هُم ..... رسائل عبر الإنترنت غداً. ج) أنا ..... كُتبي الجديدة من صديقي. د) ..... الأصدقاء في الحفلات بعض الأحيان.	<input type="checkbox"/> أَنْظُرُ <input type="checkbox"/> يَسْتَلِمُونَ <input type="checkbox"/> مَا إِسْتَرَجَعْتُ <input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُونَ <input type="checkbox"/> أَنْتَظِرُ <input type="checkbox"/> سَيَسْتَلِمُونَ <input type="checkbox"/> مَا إِسْتَرَجَعْتُ <input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُونَ	
۰/۷۵	۱۰ عین نوع الأفعال التي تحتمها خطأ. الف) يَبْسُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ تِلْكَ الظواهر العجیبة. ب) إِنَّ مَطَرُ السَّمَكَ يَحْدُثُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ. ج) إِفْتَحُوا حَقِيبَتَكُمْ لِلتَّفْتِيْشِ.		

١١	عَيَّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ. الف) الماضي من «يُحَدِّزُ»: <input type="checkbox"/> أَحَدَزَ <input type="checkbox"/> حَدَزَ ب) المضارع من «أَخْرَجَ»: <input type="checkbox"/> يَخْرُجُ <input type="checkbox"/> يُخْرِجُ ج) الأمر من «تَقَبَّلَ»: <input type="checkbox"/> تَقَبَّلْ <input type="checkbox"/> تَقَبَّلِ د) المصدر من «تَحَوَّلَ»: <input type="checkbox"/> تَحْوِيلَ <input type="checkbox"/> إِحْوَالَ
١٢	عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ. <input type="checkbox"/> تَعَرَّفَ <input type="checkbox"/> تَعْرِيفَ <input type="checkbox"/> إِسْتِخْدَامَ <input type="checkbox"/> تَعَادَلَ
١٣	أَكْمِلِ الْفَرَاغَ. الف) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ ..... أَمْثَالُهَا﴾ ب) يَلْعَبُ ..... لَاعِبًا فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ الْوِطْنِيِّ.
١٤	عَيَّنِ نَوْعَ الْعَدَدِ: (الْأَصْلِي - التَّرْتِيبِي) الف) الشَّهْرُ الرَّابِعُ هُوَ «تِير». ج) هُوَ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ. ب) الْفَصْلُ الثَّانِي مِنْ فُصُولِ السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ هُوَ الصَّيْفُ. د) رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نَجْمًا فِي سَمَاءِ اللَّيْلِ.
١٥	أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةَ بِالْأَرْقَامِ. الف) حَمْسَةٌ فِي أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي عَشْرِينَ. .... ب) سِتَّةٌ وَ سِتِّينَ نَاقِضٌ سَبْعَةٌ يُسَاوِي تِسْعَةً وَ خَمْسِينَ. ....
١٦	أَكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ. 
١٧	عَيَّنِ صَمِيرًا أَوْ اسْمَ إِشَارَةٍ مُنَاسِبًا لِلْفَرَاغِ. الف) ..... الْمُعْلَمَاتُ مُجْتَهِدَاتٌ فِي الصَّفِّ. ب) أَ هَؤُلَاءِ الْمُعْلَمُونَ ذَاهِبُونَ إِلَى مَدِينَةٍ مَشْهُدٍ؟ نَعَمْ ..... ذَاهِبُونَ إِلَيْهَا. ج) ..... سَنَذْهَبُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ عَدَاً. هَاتَانِ <input type="checkbox"/> أُولَئِكَ <input type="checkbox"/> تِلْكَ هُمَا <input type="checkbox"/> هُمْ <input type="checkbox"/> أَنْتُمْ أَنَا <input type="checkbox"/> أَنْتُمْ <input type="checkbox"/> نَحْنُ
١٨	صَخِّ فِي الْمُرَبِّعِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ). ١- الأعداء <input type="checkbox"/> عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ. ٢- المحيط <input type="checkbox"/> يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. ٣- العميل <input type="checkbox"/> مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ. ٤- القمر <input type="checkbox"/> أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا. ٥- الينبوع ٦- الدرر
١٩	اقْرَأ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. ظَاهِرَةٌ مَطَرٌ السَّمَكُ تَحْدُثُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً فِي الْهِنْدُوْرَاسِ وَ هِيَ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ يَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ، ثُمَّ تَنْسَاقُ عَلَى الْأَرْضِ. الف) مَا هُوَ سَبَبُ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ (٥/٢٥) ب) كَمْ مَرَّةً تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ فِي السَّنَةِ؟ (٥/٢٥) ج) فِي أَيِّ بَلَدٍ تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ؟ (٥/٢٥) د) إِلَى أَيِّ بَلَدٍ يَسْحَبُ الْإِعْصَارُ الْأَسْمَاكَ؟ (٥/٢٥)
٢٠	الف) أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ: ١) كَمْ عُمْرُكَ؟ ..... ٢) مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟ ..... ب) رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا. مِنْ - أَيَّ - إِيرَانَ - بَلَدٍ - أَنَا - أَنْتَ - مِنْ السُّؤَالُ: .....؟ الجواب: .....
٢٠	جمع نمرات